

آشنایی با زندگانی، اندیشه ها و خدمات زنده یاد پروفسور فلاطوری

● مسعود نوری

۱- زیست‌نامه

جان‌پرور است قصه آریاب معرفت

رمزی برو بپرس و حدیثی بیا بگو

عبدالجواد فلاطوری در ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ هجری قمری برابر با ۲۹ دی ماه ۱۳۰۴ هجری شمسی در محله بیدآباد شهر اصفهان زاده شد. حکیم الهی، مرحوم آخوند ملااسماعیل اصفهانی - استاد حاج‌ملاهادی سبزواری - از نیاکان نامدار فلاطوری است. دوران دبستان را در مدرسه اقدسیه و ایران گذرانید و در سال ۱۳۲۲ با گرفتن دیپلم از هنرستان صنعتی اصفهان، دوره تحصیلات متوسطه را به پایان برد. او همزمان با تحصیل در هنرستان، مراحل آغازین علوم حوزوی را در حوزه اصفهان سپری کرد.

بسال ۱۳۲۳ خورشیدی، عبدالجواد جوان همراه خانواده به تهران کوچ کرد و در مدرسه مروی حجره گرفت و اقامت گزید، اقامتی شبانه‌روزی؛ قصد او از این هجرت و مدرسه‌نشینی بهره‌مندی از دانش و حکمت استادان بنام مدرسه بود؛ حاج‌شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله حاج‌شیخ محمدتقی شاه‌آبادی. در سال ۱۳۲۶

برای ادامه تحصیل روی به قبله دل‌ها، مشهدالرضا آورد و در مدرسه حاج حسن، حجره گرفت. شوق درک محضرادیب نیشابوری (ادیب ثانی) یکی از جاذبه‌های روحانی مشهد برای فلاطوری بود. پس از اتمام دوره عالی ادبیات علوم بلاغی نزد این ادیب نامدار، از حاج میرزا احمد مدرس حسینی یزدی (درگذشته ۱۳۹۱ ق) و حاج‌شیخ هاشم مدرس قزوینی (متوفای ۱۳۸۰ ق) و حاج‌شیخ محمدرضا ترابی خراسانی، سطوح فقه و اصول را فراگرفت. نزد شیخ‌هادی کدکنی نیشابوری فلسفه و عرفان، «شرح اشارات» خواجه نصیر و «شرح چغمینی» در هیئت و نزد حاج‌شیخ محمدرضا کلیاسی، «شرح تجرید» را خواند. استادی که شاید تأثیر بیشتری بر فلاطوری نهاده باشد، حکیم الهی، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (متوفای ۱۳۸۶ ق) مؤلف دوره ۵ جلدی «بیان‌الفرقان» است که فلاطوری از او فلسفه و معارف و علوم قرآن را آموخت. مرحوم ایسی و حاج‌شیخ کاظم دامغانی نیز در شمار استادان فلاطوری در آن دوره علم‌آموزی ذکر شده‌اند.

از لذت‌های معنوی فلاطوری در این دوران، افزون بر دانش‌اندوزی و بهره‌بردن از اندیشه و فضل عالمان

الهی، زیارت حرم ملکوتی هشتمین امام و نیز حضور در جلسات گفتگوی فاضلان و روشنفکران مشهد بوده است. دکتر مهدی محقق پس از آنکه درس‌ها و استادان مرحوم فلاطوری و خود را در آن سال‌ها نام برده، می‌نویسد: «و هنگام غروب، هر دو خستگی روزانه خود را با آمدن به مسجد گوهرشاد و زیارت حرم مقدس حضرت رضا علیه‌السلام رفع می‌کردیم. در مسجد گوهرشاد، گاهی در مجلس بزرگانی که پس از نماز در یکی از صفت‌ها جمع می‌شدند، حاضر می‌شدیم از جمله حلقه‌ای که گرد مرحوم حاج‌شیخ کاظم دامغانی جمع می‌شد که... مرحوم شیخ محمدرضا ترابی و مرحوم محمدتقی شریعتی از جمله آنان بودند و در مواقعی هم که مرحوم شهید مطهری در مشهد بودند به آن جمع اضافه می‌شدند»^(۱)

بالاترین افتخار علمی فلاطوری در دوره تحصیل در مشهد، نایل به درجه‌الاولی اجتهاد است. در سال‌های ۲۹-۱۳۲۸، در حالی که تنها بیست و چهار بهار بر او گذشته بود، پس از گفتگوهای علمی با فقیه گرانمایه حاج‌شیخ محمدرضا کلیاسی (۱۳۸۳-۱۲۹۵) درباره کتاب جواهرالکلام، بدون آنکه درخواست نموده باشد، از آن استاد کم‌نظیر و پرهیزگار، اجازه روایت و گواهی اجتهاد دریافت کرد.

فلاطوری بسال ۱۳۳۰ به تهران بازآمد و در مدرسه مجد مقیم شد و شرح منظومه حاج‌ملاهادی سبزواری را از آغاز بخش منطق تا پایان بخش حکمت، نزد فقیه و حکیم بزرگوار، حاج‌شیخ محمدتقی املی - متوفای حدود ۱۳۹۰ ق، خواند و دو سال در درس خارج فقه ایشان و نیز درس خارج مرحوم آیت‌الله بخوانساری حاضر شد. در سال ۱۳۳۲ ق با مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی آشنا شد و مدتی - که آقای حکیمی آن را حدود سه سال دانسته^(۲) - به عنوان معلم و مصاحبت و همکاری علمی در محضر میرزا، که در آن روزگار بیمار بود، بسر برد؛ از جمله نزد وی اسفار خواند.

در کنار این همه، فلاطوری از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران با درجه ممتاز، لیسانس گرفت. شوق آشنایی با فلسفه و اندیشه غربیان، دیگر بار او را به سفر دانش‌اندوزی ترغیب می‌کرد؛ سفر به دیپاری که بتواند فلسفه غرب را بی‌واسطه نقل، و از زبان اصلی بیاموزد و نیز با علوم انسانی رایج در اروپا آشنا گردد.



جوار خویش جایش دهداد. (۴)

□

۲- اندیشه‌ها، آرمان‌ها، عملکرد

الهی سینه‌ای ده آتش افروز

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

دل‌م پر شعله گردان، سینه پردود

زیانم کن به گفتن آتش آلود

دل‌م را داغ عشقی بر جبین نه

زیانم را بیانی آتشین ده

تو گویی یک یک این تمناها که کمال‌الدین محمد وحشی بافقی در مناجات با خدای خویش یا زگفته است، درباره عبدالجواد فلاطوری نیز به اجابت رسیده است! همان شعله‌ای که درون مطهری و شریعتی می‌سوخد، در سینه فلاطوری نیز شعله‌ور بود؛ همان دردی که در سیدجمال و اقبال بود، جان او را نیز فرا گرفته بود؛ همان عشقی که علامه امینی و شیخ آقابزرگ را به حرکت وامی‌داشت، در او نیز حرکت‌زا بود، شعله‌ای که تا آدمی را صافی نسازد - چنانکه شایسته محضر دوست باشد - فرو نمی‌نشیند؛ دردی که آدمی را وا نمی‌نهد مگر آن زمان که دربر دوست سکنی گزیند؛ عشقی که تا رسیدن به بارگاه او که معشوق هستی است، آرامی ندارد...

یکی از آرمان‌های پروفسور فلاطوری آشنا کردن غربیان با فرهنگ والای شیعه بود. چنانکه خواندید او، پروفسور اروین گرف را با شماری از کتاب‌های اصیل شیعی آشنا ساخت و سنگ‌بنای تأسیس کتابخانه مربوط به معارف شیعی را نهاد. فلاطوری در سفری تحقیقاتی به ایران بتقریب ۴۰۰۰ جلد کتاب از شهرهای مشهد، اصفهان و تهران گرد آورد و به سمینار شرق‌شناسی دانشگاه کلن منتقل کرد و بدین سان کتابخانه معارف شیعی در دانشگاه کلن بنیانگذاری شد. این، نخستین اقدام تأثیرگذار و دوراندیشانه او برای شناساندن اسلام بویژه تشیع در اروپا بود. پروفسور فلاطوری کم‌شماری پژوهش‌های آن روز غربیان درباره فرهنگ و باورهای شیعه را چنین گزارش نموده است: «اگر محض امتحان، تمام کتب و مقالاتی را که در

۲۵ سال اخیر به زبان‌های مختلف غربی درباره اسلام و ممالک اسلامی منتشر شده از نظر بگذرانیم و شماره کنیم... بسادگی به این نکته برمی‌خوریم که از بین هر صد نوشته‌ای که درباره اسلام دیده می‌شود فقط ۲ عدد به غیر اهل سنت و جماعت مربوط است. از این مقدار اندک نیز تازه از بین هر هفت نوشته، یک کتاب یا یک مقاله به شیعه اثنی‌عشری اختصاص یافته است یعنی تقریباً از هر ۳۵۰ کتاب و مقاله، یک عدد به شیعه دوازده امامی ارتباط دارد؛ بسیار کمتر از نوشته‌هایی که درباره شیعیان زیدی و اسماعیلی مشاهده می‌شود...» (۵)

تأسیس آن کتابخانه در جلب توجه شرق‌شناسان آلمانی و اروپایی به فرهنگ و معارف شیعی سخت

«عده‌الاصول» شیخ طوسی آشنا کرد. مطالعه این کتاب‌ها سبب دل‌بستگی پروفسور گرف به فرهنگ و فقه شیعه شد. این کتاب‌ها بعداً به کتابخانه سمینار منتقل شد و در حقیقت هسته اولیه مجموعه کتاب‌های مربوط به معارف شیعی گشت. دکتر فلاطوری که اندکی پیش از اشتغال به تدریس در دانشگاه کلن، پژوهش‌ها و اندیشه خود را متوجه رابطه فلسفه اسلامی و فلسفه یونانی کرده بود، در سال ۱۹۷۳ رساله استادی خویش را زیر عنوان «دگرگونی بنیادین فلسفه یونانی در اثر برخورد با اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه پروفسوری نایل آمد.

زندگی علمی پروفسور فلاطوری اکتده است از مجاهده برای نشر فرهنگ اسلامی - شیعی، آشنا کردن پژوهشگران و عموم مردمان اروپا با اسلام راستین، تلاش برای نزدیکی پیروان ادیان ابراهیمی و آرمان‌های والایی از این دست که در بخش بعدی این یادنامه به آنها اشاره خواهد شد.

فلاطوری پس از ۷۱ سال زندگانی که سراسر آن به آموختن و آموزاندن سپری شد، و بتقریب چهار دهه آن در غربت غرب به نشر حقیقت گذشت، یکشنبه ۹ دی ماه ۱۳۷۵ در آلمان، دعوت منادی حق را لبیک گفت؛ مرغ جانش به سوی دوست پرکشید و پیکر او در ۲۱ دی ماه ۱۳۷۵ در تکیه فاضل اصفهانی شهر اصفهان به مادر خاک بازپس داده شد - خدایش رحمت کند و در

سرانجام در سال ۱۳۳۳ خورشیدی برابر ۱۹۵۴ میلادی - و به نقل استاد حکیمی (۶) در سال ۱۳۳۱ شمسی - راهی آلمان گشت. در شهرهای ماینتز، کلن و بُن به تحصیل فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، فلسفه حقوق، علوم دینی تطبیقی و همچنین اسلام‌شناسی - که دربرگیرنده تحقیقات شرق‌شناسان اروپایی درباره تاریخ و فرهنگ اسلامی است - مشغول شد. وی در همان سال‌های نخست اقامت در آلمان، زبان آلمانی را فراگرفت و سپس به آموختن زبان لاتین پرداخت تا بتواند فلسفه غرب را از زبان اصلی آن فراگیرد.

در سال ۱۹۶۱ به عنوان مدرس زبان فارسی، همکاری خود را با دانشگاه هامبورگ آغاز کرد که تا سال ۱۹۶۴ ادامه داشت. در سال ۱۹۶۲ با نگارش رساله «اخلاق عملی کانت» درجه دکترا در فلسفه را از دانشگاه بُن دریافت کرد در سال ۱۹۶۴ به شهر کلن کوچید و در دانشگاه آن دیار به تدریس زبان فارسی مشغول شد. پروفسور «ورنر کاسکل» و پس از او پروفسور «اروین گرف» که مدیریت سمینار شرق‌شناسی دانشگاه کلن را عهده‌دار بودند، دکتر فلاطوری را قدر شناختند و برایش احترامی خاص نهادند. گرف متخصص فقه اسلامی بود و کتاب‌ها و مقاله‌های چندی در این باره نوشته بود، ولی با فقه شیعه آشنایی چندانی نداشت. دکتر فلاطوری برای رفع این کاستی او را با کتاب‌هایی از جمله

کارگر افتاد. در این مورد گفته‌ها، نوشته‌ها و آمارهای فراوانی از ایه شده است که شاید جامعترین و تازه‌ترین آنها سخنرانی سرکار خانم دکتر ساین اشمنتک است. این گزارش محققانه با عنوان «نقش عبدالجواد فلاطوری در بحث و گفتگوی بین شرق و غرب و کتابخانه معارف شیعی در کلن و اهمیت آن جهت مطالعه شیعه دوازده امامی» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۷۷ در دومین روز کنگره بین‌المللی بزرگداشت پروفیسور فلاطوری در اصفهان، ارایه شده است. امید است این مقاله و سایر مقاله‌های ارایه شده در آن کنگره بزودی چاپ و منتشر شود. هم‌اینک در آن کتابخانه نزدیک به ۱۰ هزار عنوان کتاب و رساله نگهداری می‌شود که در موضوعات ادبیات عرب، فقه، اصول، حدیث، اخبار، رجال، عرفان، فلسفه و تفسیر بوده و مورد استفاده عموم پژوهشگران است.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۹۷۷، ده‌ها و ده‌ها پرسش دربارهٔ تشیع برای اروپاییان مطرح گردید؛ سؤال‌هایی دربارهٔ باورهای شیعیان، حکومت اسلامی و اندیشهٔ سیاسی شیعه، نظام حقوقی و ارزشی شیعه و زمینه‌هایی جز این. برای پاسخ به این پرسش‌ها - که بعضاً نوظهور و بی‌پیشینه بود - زمانه‌شناسی، آگاهی گسترده از مبانی مذهب، شناخت درست مخاطبان و بیانی استوار لازم بود؛ خوشبختانه فلاطوری این همه را داشت. از سویی در شناخت مبانی مذهب به درجهٔ والای اجتهاد رسیده بود و از سوی دیگر حضور و تحصیل و تدریس در اروپا، وی را با مقتضیات زمان و مکان آشنا ساخته بود، همچنین به رغم اقامت طولانی در اروپا، هیچ زمان از مسایل ایران بیگانه نبود. حتی در سال ۱۳۵۵، در اوج مبارزات مردمی به ایران آمد و با دوستان خویش دربارهٔ گسترش فرهنگ اسلامی در اروپا همکاری کرد و در اجرای همان تصمیمات بسال ۱۹۷۸ آکادمی علوم اسلامی را در آلمان برپا کرد. متقابلاً اروپاییان نیز او را به عنوان ایرانی‌ای اندیشمند و شیعه‌ای بزرگ اندیشه می‌شناختند. از این رو وی در روزهای اوج‌گیری نهضت اسلامی و ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت مرجعی برای دانشگاہیان، رسانه‌های گروهی و افکار عمومی غرب درآمد، به پرسش‌های آنان دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران پاسخ می‌داد و حقیقت را برای آنان بازگو می‌کرد. دکتر فرزانه‌فر - که از پزشکان متعهد ایرانی مقیم آلمان و از همکاران با سابقه و صمیمی مرحوم فلاطوری می‌باشد - هم در سخنان کوتاهی که در کنگره بیان کردند و هم در چند جلسه‌ای که نگارندهٔ این سطور در محضر ایشان بوده است، از پرشمار بودن و پراثر بودن آن گفتگوها و مصاحبه‌ها سخن‌ها گفته‌اند و نیز نوار ویدئویی تعدادی از آن مصاحبه‌ها را به کمیتهٔ علمی کنگره سپرده‌اند. امید آنکه این گفت و گوها ترجمه شود و در اختیار هموطنان قرار گیرد. به هر روی این مجموعه

نیز بخشی از خدمات مرحوم فلاطوری به فرهنگ شیعی و ایران عزیز است.

یکی دیگر از آرمان‌ها و دلمشغولی‌های پروفیسور فلاطوری، گفتگو و مفاهمه میان پیروان ادیان ابراهیمی بود. وی در فوریه و مارس ۱۹۵۵ نخستین بحث خود در این باره را ارایه کرد. عنوان سخنرانی او - که به خوبی بیانگر محتوای آن نیز هست - چنین بود: «یهودیان، مسیحیان، مسلمانان و رابطهٔ آنان با خدا و با یکدیگر». او به این می‌اندیشید که چرا نباید امکان گفت و گوی دو جانبه میان ادیان ابراهیمی را فراهم کنیم؟ در پی این اندیشه بود که در ۱۰ اکتبر ۱۹۷۸ در قالب اطلاعیه‌ای مطبوعاتی از طرف آکادمی علوم اسلامی، پیشوایان و اندیشه‌وران مسیحی، یهودی و سایر ادیان جهانی را به گفتگو فراخواند. وی با شناخت ژرف و گسترده‌ای که از جهان پیچیدهٔ نوین داشت و با آگاهی وسیع از باورها و دیدگاه‌های ادیان ابراهیمی، با طرح ضرورت تفاهم و همکاری پیروان ادیان الهی، مرز میان قومیت‌ها و ملیت‌ها را درهم می‌نوردید.

در آوریل ۱۹۷۹ نخستین چاپ کتاب «اسلام در دیالوگ» که دربردارندهٔ مجموعه مقاله‌های پروفیسور فلاطوری بود، نشر یافت و در دسامبر همان سال تجدید چاپ شد. این کتاب تاکنون پنجمین طبع را هم پشت سر نهاده است. او هم پیشوایان ادیان ابراهیمی را به گفتگو دعوت می‌کرد و هم به چنین دعوتی از سوی آنان، پاسخ مثبت می‌داد. در سال ۱۹۸۰ حلقه کار اسلامی - مسیحی در مجمع کلیسای پروتستان آلمان در فرانکفورت تشکیل شد. پروفیسور فلاطوری در آن گردهمایی تصریح ورزید «آکادمی (علوم اسلامی) وظیفهٔ خود قرار داده است که گفت و گوی دوجانبه‌ای را در سطح دینی و علوم انسانی میان مغرب زمین مسیحی و مشرق زمین اسلامی فراهم آورد تا از طریق، پیشداوریها و سوءتفاهم‌هایی را که در هر دو محیط فرهنگی موجود است از میان بردارد و راه را برای درک متقابل هر یک از فرهنگ‌ها هموار سازد...»^(۶)

یکی دیگر از آرمان‌های بزرگ پروفیسور فلاطوری زدودن القانات سوء و اصلاح برداشت‌های غلطی بود که در ذهن اروپاییان از اسلام وجود داشت و دارد. او برای رسیدن به هدف مقدس اقدامی بنیادین کرد؛ کاری کارستان! افزون بر نوشته‌های روشنگر و سخنرانی‌های بیداری‌آفرین، به سوی پیشگیری از این کژاندیشیها رفت؛ به سراغ کودکان و نوجوانان امروز اروپا. او طرحی را تدوین کرد که با نام «پروژه اصلاح کتب درسی» مشهور شد. در گزارشی که سال ۱۳۶۳ دربارهٔ این طرح تحقیقاتی منتشر شده، مرحوم پروفیسور فلاطوری چنین اظهار داشته است: «تا قریب بیست سال پیش، صحبتی که از اسلام در کتب درسی آلمان به میان می‌آمد نسبتاً مختصر به موضوعات خاصی از قبیل جنگ‌های صلیبی و یا زد و خورد با ترکان و یا آثار هنری

اسلامی در اسپانیا و کم و بیش نیز مرتبط با شخصیت پیغمبر اکرم (ص) و مقایسه اسلام با مسیحیت بود. محدودیت دیگری نیز که در برخورد با دین اسلام مشهود بود، این بود که درصد کمی هم از کتب فوق‌الذکر که می‌بایستی سخنی از اسلام به میان آورده باشد، غالباً آن را مسکوت می‌گذاشتند یا با ذکر چند جمله - مثلاً در مورد جنگ‌های صلیبی - از آن می‌گذشتند و تازه آنچه هم با تمام این محدودیت‌های کمی و کیفی ذکر می‌شد، سراپا ناقص و نادرست بود.

تقریباً از بیست سال پیش به این طرف است که اندک اندک - ولی به طور صعودی - توجه به اسلام در مدارس، به علل خاصی موضوعیت پیدا کرده است. از جمله این علل، یکی وجود بیش از ۱/۵ میلیون ترک متدین به اسلام در آلمان و قریب ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار دانش‌آموز مسلمان در مدارس این کشور و دیگری تحولات سیاسی اجتماعی در ممالک اسلامی در دهه‌های اخیر بخصوص انقلاب اسلامی ایران است که هر دو محور اصلی اقدامات فرهنگی از طرف دولت آلمان بخصوص در مدارس گردیده است.

آنچه دربارهٔ اسلام در این کتب گفته می‌شود، چُنگی است از مطالب صحیح و سقیم که با تعبیرات صادقانه و یا مفروضانه، مخلوط، مغلوطنی تحویل دانش‌آموز داده می‌شود. به طوری که وی در طول دورهٔ چندین سالهٔ مدرسه، رفته رفته و گام به گام در مجموع شکل و صورتی سخیف، منحرف، مغلوطنی و پر از جسارت به اسلام در ذهنش خواهد ساخت. پایهٔ وجودش ساخته‌ای خواهد بود از تحقیر اسلام و مسلمین و یا احیاناً از اعتقاد به عقب‌ماندگی، بربریت، قساوت، آشفتنگی و ضد حقوق انسانی بودن مسلمانان.»^(۷)

فلاطوری که مسلمانان وفادار به ارزش‌های اسلامی، بزرگ اندیشه و دلسوز بود این کژی‌ها را می‌دید، کژی‌هایی که نسل امروز و فردای اروپا بیان را از دریافت و درک حقیقت اسلام دور می‌کرد. او مصمم می‌شود در برابر این انحرافات و اشتباهات قامت افرازد و به مبارزه دست یازد؛ مبارزه‌ای سبز؛ مبارزه‌ای با روش‌های مناسب و سلاح‌های کارآمد؛ مقابله با افکار غلط که پیداست باید با ارایهٔ واقعیات شریعت صورت بندد و با گرفتن غبار از گوهر تابناک حقیقت.

پروفیسور فلاطوری خود، دشواری‌های این راه و راه‌حل‌هایی را که او و همکاران ارجمندش برای از میان برداشتن مشکلات اندیشیده‌اند بیان کرده است:^(۸) «محتوای کتب درسی را به ابعاد زیر تقسیم کردیم: بُعد اول - خدا، الهیات؛ بُعد دوم - حضرت محمد (ص)؛ بُعد سوم - قرآن مجید؛ بُعد چهارم - اعمال مذهبی؛ بُعد پنجم - رابطهٔ بین ادیان یهودی، مسیحی و اسلام؛ بُعد ششم - تاریخ؛ بُعد هفتم - موقعیت کنونی اسلام در جهان و در کشور آلمان فدرال.» در گزارشی که پروفیسور فلاطوری از واپسین مراحل انجام کار ارایه

کرده است می‌خوانیم: «طرز کار ما این است که پس از مشخص نمودن اغلاط به وسیله شروح و حواشی مجمع علیها (مورد اتفاق صاحب نظران همه مذاهب اسلامی) نوبت تحلیل کتب با جدول‌های کیفی و کمی می‌شود. پس از این تحلیل و نتیجه‌گیری از آن، در بخش‌های بعدی تک تک موضوعاتی که از آنها در کتب سخن به میان آمده، مورد بحث قرار می‌گیرد. به این ترتیب صور مغلوط ذکر و رد می‌شود و صورت صحیح آن از دیدگاه اسلام و مسلمانان آرایه گردد. تاکنون - یعنی پس از ۱/۵ سال کار دسته‌جمعی لاقلاً بیش از ۳۰ مسلمان و سایر متخصصان - ۵ جلد از ۸ مجلدی که محصول این کار تحقیقی است آماده شده، مابقی آن به یاری خدا تا سه ماه دیگر حاضر خواهد شد که پس از تأیید صاحب نظران اسلامی چاپ خواهد شد.»^(۹)

وی در گزارش دیگری به هیأت مدیره آکادمی در ایران چنین نوشته است: «برادران عزیز! خوشوقت از آنم که در این لحظه به یاری خداوند می‌توانم بشارت به ثمر رسیدن پروژه اصلاح کتب درسی مدارس آلمان غربی را در مورد آموزش و عرضه اسلام به دانش‌آموزان دبستانی و دبیرستانی و مدارس حرفه‌ای، به حضورتان عرض کنم...» نه موج آرامش‌پذیر است و نه مردان بلندهمت و دوراندیش پذیرنده ایستایی و رکود. پس از این موفقیت بزرگ، فلاطوری حرکت به سوی اروپایی کردن این اصطلاحات را آغاز کرد و بدین منظور چندین گردهمایی در کلن تشکیل داد. در گزارش چهارمین سمپوزیوم بین‌المللی آکادمی علمی اسلامی شهر کلن - که با دعوت و شرکت نمایندگان آکادمی از چهارده کشور اروپایی در روزهای ۱۰ تا ۱۲ ماه مه سال ۱۹۹۱ در محل آکادمی برگزار شد - آمده است: «پروژه اروپایی ما به شورای اروپا در استراسبورگ معرفی شده، بسیار مورد استقبال قرار گرفت... این جریان‌ات پروژه ما را بدون تردید یک وضع رسمی اروپایی بخشیده. در این موقعیتی که ما در آستانه اتحاد ملل اروپا قرار گرفته‌ایم، این پروژه ما می‌تواند نقش اساسی داشته. به یاری خداوند به اسلام در اروپا وجهه‌ت نوینی ببخشد.»^(۱۰)

بدین سان فلاطوری توانست به پشتوانه دانش و بینش، و غیرت و همت خود کتاب‌های درسی هفده کشور اروپایی را از پیش‌دواری‌های غرض‌ورزان و نادانان پاکسازی نماید و اسلام و مسلمانان را دست‌کم در کتابهای درسی اروپاییان به شیوه‌ای شایسته معرفی کند. وی این کار بزرگ را با برنامه‌ای دقیق و زمانبندی شده تا سال ۱۹۹۴ به پایان برد.

دیگر برنامه پروفسور فلاطوری - که از سال ۱۹۹۱ بدین سو دلمشغولی اصلی او گشت - تأسیس دانشکده معارف اسلامی در اروپا بود، مرکزی که عهده‌دار آموزش درست و دانشگاهی اسلام به مسلمانان اروپا و دیگر مناطق جهان شود. وی برای جلب پشتیبانی معنوی و مشارکت مادی با اشخاص حقیقی و حقوقی چندی

مذاکره و مکاتبه کرد، اما کمتر نتیجه گرفت. آری، برخی از کشورهای زران‌دوز و شهرت‌دوست اسلامی به وی روی خوش نشان دادند اما او که سالیان سال در میدان جهاد فرهنگی تجربه اندوخته بود، نیک می‌دانست آنان از پس هر یاری، چشم چندین و چند فرمانبری دارند. او پیشنهادهای آن دولتیان را نشنیده گرفت و دوستانی فرهنگی را برای همکاری برگزید و پس از رفت و آمدهای متعدد میان کلن و قاهره و تهران تصمیم آن شد که این دانشکده با همکاری «جامع الازهر» و در هامبورگ تأسیس شود اساسنامه و آیین‌نامه لازم نیز نگارش و تصویب شد؛ ولی با درگذشت دانشمند دوستدار انقلاب اسلامی ایران، شیخ محمد غزالی - یک ماه پس از وفات شیخ جادالحق، شیخ الازهر - این همکاری ناتمام ماند. این مرد مرد، فلاطوری بلندهمت، تنها شد اما از پای ننشست و چاره‌های دیگر اندیشید. آکادمی را از کلن به هامبورگ منتقل کرد و دیگر مقدمات تأسیس دانشکده را فراهم می‌آورد که منادی حق این نغمه عاشقانه را با وی نجوا کرد: «با اینها التفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة» و پاسخ آن جان آسمانی جز لبیک نبود...

فلاطوری رفت تا از پس عمری جهاد و اجتهاد در جوار حق جای گیرد و در «مقعد صدق عند ملیک مقتدر»، تا ابد از لذت لقا سرمست و بیخود بماند و به عیشی مدام و رزقی دمامد رسد. - گوارایش باد.

۳- یاد یار

چون که گل رفت و گلستان شد خراب

یادگل را از چه جویم؟ از غلاب
پس از در خاک خفتن فلاطوری، همدلان و همکاران و دوستدارانش، به پاس خدمات او و مرور بر رسالت‌های خود، چندین بار در آلمان و ایران گرد هم آمدند. یکی از این گردهمایی‌ها، روزهای ۲۴ و ۲۵ شهریورماه ۱۳۷۷ در شهر تاریخی و فرهنگ‌پرور اصفهان، در دانشگاه آن دیار، برگزار گردید.

برنامه‌های کنگره:

الف - افتتاحیه: تلاوت آیاتی از کتاب وحی، بخش سرود جمهوری اسلامی، خیر مقدم‌گویی توسط رییس دانشگاه اصفهان آقای دکتر هوشنگ طالبی، قرائت پیام ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی توسط آقای دکتر هادی خانیکی مشاور محترم رییس جمهور، سخنرانی آقای دکتر مصطفی معین وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی و گزارش دکتر مرتضی حاج‌حسینی دبیر محترم کمیته علمی و قائم‌مقام ریاست محترم دانشگاه اصفهان در برگزاری کنگره.

ب - مقاله‌ها و سخنرانی‌ها

- در جست و جوی فلاطوری از اصفهان تا هامبورگ (زندگی‌نامه پروفسور فلاطوری)؛ مقاله آقای دکتر مرتضی حاج‌حسینی.

- اهمیت دین‌شناسی تطبیقی برای شناخت اسلام؛ سخنرانی آقای دکتر محمد مجتهد شبستری.

- گفت و گو، پیش‌فرض‌ها، مغالطه‌ها و دستاوردهای آن؛ مقاله آقای پروفسور فان اس (Van ess) آرایه شده به زبان آلمانی.

- گفت و گوی دینی، مبناداری و بازاندیشی (آزاداندیشی)؛ سخنرانی آقای دکتر محمدرضا بهشتی.

- اهمیت و نقش قصص ایرانی - اسلامی در گفت و گوی فرهنگی شرق و غرب؛ مقاله آقای پروفسور مارسولف (Ulrich Marzolph) آرایه شده به زبان فارسی.

- نگرشی تاریخی به رابطه دین و فلسفه؛ سخنرانی آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی.

- گفت و گوی بین مذاهب اسلامی؛ سخنرانی آقای دکتر سیدمحمد مهدی جعفری.

- فلاطوری و روابط دوستانه ایشان در آلمان؛ سخنرانی آقای دکتر شمس انوری.

- گفت و گوی بین ادیان از دیدگاه اسلام؛ سخنرانی آقای دکتر غلامرضا اعوانی.

- نقش عبدالجواد فلاطوری در بحث و گفت و گوی بین شرق و غرب و کتابخانه معارف شیعی در کلن و اهمیت آن جهت مطالعه شیعه دوازده‌امامی؛ سخنرانی خانم دکتر سایین اش‌میتک (Subin Shmidtke) آرایه شده به زبان انگلیسی.

- دین و فلسفه، داستان هماهنگی‌ها یا ماجرای ناهماهنگی‌ها؛ سخنرانی آقای دکتر اصغر دادبه.

- نقد و بررسی مقاله فارابی و تبادل فرهنگ‌ها اثر مرحوم پروفسور فلاطوری؛ سخنرانی آقای دکتر رضا داوری.

- گزارشی از اقدامات انجام شده و کارهای ناتمام پروفسور فلاطوری در آلمان؛ سخنرانی آقای دکتر فرج‌الله فرزانه‌فر.

- خاطرات چهل سال زندگی در غرب از ثمرات بحث و گفت و گوی بین ادیان؛ سخنرانی خانم شفیع‌زاده.

- جایگاه عبادت و محبت الهی در فلسفه کانت، سخنرانی آقای دکتر احمد احمدی.

- گفت و گوی بین ادیان و ایده‌های ویژه پروفسور فلاطوری برای تحقق این امر؛ مقاله آقای دکتر غلام دستگیر طوطاخیل، آرایه شده به زبان فارسی.

- شریعت در عرفان ابن عربی؛ سخنرانی آقای دکتر محسن جهانگیری.

- گفت و گوی بین ادیان در نظر اسلام و قرآن؛ سخنرانی آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای.

ج - مراسم اختتامیه

- قرائت قطعه‌نامه کنگره.

- اعطای لوح تقدیر به سخنرانان، آرایه‌کنندگان مقاله‌ها، اعضای کمیته علمی و اجرایی و میهمانان

عالی‌رتبه.

امید آنکه مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌های ایراد شده در این کنگره دو روزه هرچه زودتر به جویندگان دانایی و دوستداران فلسفه و فرهنگ اسلامی - ایرانی ارایه گردد.

د - فعالیت‌های جنبی کنگره

- تشکیل نمایشگاهی پر ارزش از وسایل شخصی، گواهینامه‌های حوزوی و دانشگاهی پروفیسور فلاطوری، کتاب‌ها و مقاله‌های ایشان به زبانهای فارسی و آلمانی، تصاویر آن استاد فرهیخته.
- انتشار اثری با این مشخصات کتابشناختی و محتوا:

ضرورت تبادل فرهنگی و کلید تفاهم فرهنگ‌ها - مجموعه مقالات و مصاحبه‌های مرحوم عبدالجواد فلاطوری و مباحثات فلسفی ایشان با مرحوم علامه طباطبایی، گردآوری و تنظیم: کمیته علمی کنگره بین‌المللی بزرگداشت پروفیسور فلاطوری، چاپ اول: اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷، ۲۹۱ ص، وزیری.

کتاب چنانچه از عنوان فرعی بخوبی برمی‌آید، و در فهرست مطالب هم تصریح شده است در دو بخش سامان یافته است. پیش از این دو بخش اصلی، مقدمه تدوین‌کننده (کمیته علمی کنگره) (صص یک - پنج) و نیز مقاله دکتر مرتضی حاج حسینی با عنوان در جست و جوی فلاطوری از اصفهان تا هامبورگ، (صص هفت - نوزده) آمده است. در بخش اول (صص ۱۸۰-۱) این مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقاله‌ها از پروفیسور فلاطوری آورده است:

- برای عرضه به غرب چه داریم؟ با کدام شیوه (می‌گرد کیهان فرهنگی) صص ۳-۴۴.

- رابطه دین و فلسفه (مصاحبه با مجله دانشگاه انقلاب) صص ۶۸-۴۵.

- دو اندیشه شرق و غرب (مقاله چاپ شده در مجله مقالات و بررسیها) صص ۹۴-۶۹.

- موانع بنیادین گفت و گو میان اسلام و مسیحیت (مقاله چاپ شده در نامه فرهنگ) صص ۱۰۴-۹۵.

- فارابی و تبادل فرهنگها (مقاله چاپ شده در نامه فرهنگ) صص ۱۱۷-۱۰۵.

- اسلام در مدارس آلمان (به نقل از کیهان فرهنگی) صص ۱۳۰-۱۱۹.

- تحقیق عقاید و علوم شیعی (مقاله چاپ شده در یادنامه علامه امینی) صص ۱۴۳-۱۳۱.

- تحول بنیادی فلسفه یونان در پرتو اندیشه اسلامی (مقاله چاپ شده در دومین یادنامه علامه طباطبایی) صص ۱۴۵-۱۶۰.

- اندیشه فلسفی بیرونی بر اساس اصل تکامل تدریجی (سخنرانی ایراد شده در یادنامه بیرونی) صص ۱۶۱-۱۷۱.

- روش ابتکاری مهندس بازرگان در پژوهش‌های قرآنی (سخنرانی ایراد شده در کلن) صص ۱۷۹-۱۷۳.

- در بخش دوم (صص ۲۹۱-۱۸۱) این مقاله‌ها گردآوری شده است:

- صدرالدین شیرازی، مجدد فلسفه اسلامی در قرن ۱۱ هجری - محمدحسین طباطبایی، صص ۱۹۳-۱۸۱.

- انتقاد بر یادنامه ملاصدرا - عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۰۵-۱۹۵.

- انتقاد بر انتقاد یادنامه ملاصدرا - محمدحسین طباطبایی، صص ۲۱۲-۲۰۷.

- درباره حرکت جوهری ملاصدرا - اکبر داناسرشت، صص ۲۲۲-۲۱۵.

- درباره حرکت جوهری - عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۲۷-۲۲۵.

- انتقاد بر انتقاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، صص ۲۳۷-۲۲۹.

- حرکت طبیعی در مقاله جوهری - حمید شمس‌العالی، صص ۲۳۹-۲۳۸.

- پاسخ دو انتقاد - اکبر داناسرشت، صص ۲۴۸-۲۴۱.

- انتقاد بر انتقاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، صص ۲۵۹-۲۵۱.

- مقصود از تحقیقات علمی و روش آن - عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۷۸-۲۶۱.

- تذکر به ناقدان انتقاد بر «یادنامه ملاصدرا» - عبدالجواد فلاطوری، صص ۲۸۱-۲۸۰.

بحثی درباره ملاصدرا - محمدحسین طباطبایی، صص ۲۹۱-۲۸۳.

۴- از حاشیه به سوی متن
طبق برنامه اعلام شده کنگره، یکی از سخنرانان جلسه چهارم (صبح چهارشنبه ۷۷/۶/۲۵) آقای دکتر

گینسل (Gantner B. Gintzel) سرپرست جامعه مسیحی و یهودی آلمان بود. اما به دلیل تغییر برنامه سفر ایشان به ایران، از آقای دکتر فرزانه فر - یکی از همکاران صمیمی و پرسابقه پروفیسور فلاطوری - دعوت شد سخنانی ایراد نماید. وی در سخنان کوتاه خود بر دو نکته انگشت تأکید نهاد: یکی نقش کلیدی پروفیسور فلاطوری در نشست‌های پیروان ادیان

ابراهیمی و حضور ایشان به عنوان مدافعی اندیشمند از سوی مسلمانان و دیگر، اهمیت کتابخانه بخش تحقیقات عقاید و علوم شیعی در دانشگاه کلن و استمداد برای کارآمد نگاه داشتن آن کتابخانه.

در حاشیه جلسات بعدی کنگره، راقم این سطور با ایشان گفت و گویی کرد و یک - دو پیشنهاد داد، از جمله سفر به قم و طرح مسأله با رییس محترم کتابخانه عمومی مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (قده)، چند روزی دیگر، آن مرد خدوم پی این پیشنهاد را

گرفت. هماهنگی‌های لازم به عمل آمد و با سفر ایشان به قم این برنامه‌ها انجام شد: دیداری با حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی، که مرجعی است روشن بین، و زمانه‌شناس؛ بازدید از دانشگاه مفید، که به همت ایشان برای تربیت طالب علمان آگاه از علوم انسانی روز بنیاد نهاده شده است؛ جلسه‌ای با دکتر سید محمود مرعشی رییس محترم کتابخانه عمومی مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (قده).

حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی که خود با پروفیسور فلاطوری و خدمات فرهنگی ایشان در آلمان آشنا بودند، در جهت استمرار آن خدمات رهنمودهایی دادند؛ در دانشگاه مفید از مبادله استاد و دانشجو و همکاری‌های متقابل آموزشی - پژوهشی سخن رفت؛ تولید کتابخانه در جهت تقویت کتابخانه بخش تحقیقات عقاید و علوم شیعی در کلن - البته در حد توان و امکانات موجود - قول مساعد دادند. همچنین جلسه‌ای در تهران، در یکی از مراکز مهم پژوهشی کشور ترتیب داده شد، که درباره تقویت بنیه علمی کتابخانه و بروز ماندن آن یادگار گرانقدر پروفیسور

فلاطوری رایزنی شد. بدین‌سان با پیگیری دکتر فرزانه فر پیشنهادهایی که در حاشیه کنگره ارایه شد، به سوی «متن شدن» و تحقق یافتن پیش رفت. امید آنکه طرح‌های پروفیسور فلاطوری برای شناساندن فرهنگ شیعی در اروپا و نزدیکی هر چه بیشتر پیروان ادیان ابراهیمی از سوی دیگر اندیشمندان پیگیری شود و به نتیجه کامل رسد.

۱- «یادی از فلاطوری» تاریخ و فرهنگ معاصر، س ۶، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۶) صص ۴۳۸.

۲- شیخ آقا بزرگ، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۴۰.

۳- پیشین.

۴- در نگارش این زیست‌نامه، افزون بر منابعی که بیشتر یاد شد، از مقاله آقای دکتر مرتضی حاج حسین زیر عنوان «در جست و جوی فلاطوری از اصفهان تا هامبورگ» استفاده شده است. این مقاله در کنگره بین‌المللی بزرگداشت پروفیسور فلاطوری ارایه شده و در کتاب «ضرورت تبادل فرهنگی و کلید تفاهم فرهنگ‌ها» از ص هفت الی نوزده، چاپ شده است.

۵- حکیمی، محمدرضا، شیخ آقابزرگ، ص ۲۱۸.

۶- حاج حسینی، مرتضی، مقاله «در جست و جوی فلاطوری از اصفهان تا هامبورگ»، چاپ شده در مجموعه «ضرورت تبادل فرهنگی و کلید تفاهم فرهنگ‌ها»، ص سیزده.

۷- فلاطوری، عبدالجواد، «اسلام در مدارس آلمان»، چاپ شده در مجموعه ضرورت تبادل فرهنگی و کلید تفاهم فرهنگ‌ها، صص ۱۳۰-۱۱۹.

۸- جعفری، سیدمحمد مهدی، «طرحی ارزنده از زنده‌یاد پروفیسور فلاطوری»، تاریخ و فرهنگ معاصر، س ۶، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۷۶) صص ۴۷۲.

۹- فلاطوری، عبدالجواد، همان مقاله، ص ۱۲۶.

۱۰- جعفری، سیدمحمد مهدی، همان مقاله، صص ۴۷۳.